

فرصتی طلایی برای جهش تولید

دکتر هاشم اورعی

استاد دانشگاه صنعتی شریف

این روزها در اخبار اقتصادی می خوانیم، در سه ماه اول سال جاری میلادی اقتصاد آمریکا ۴/۸٪ کوچک شده است و این در حالی است که در سه ماهه قبل از آن بیش از ۲٪ رشد داشته است. چنین کاهشی و با چنین سرعتی در رشد اقتصادی کشوری که یک چهارم اقتصاد جهان را تشکیل می دهد در ۹۰ سال اخیر بی سابقه بوده است. اقتصاد کشورهای ایتالیا و اسپانیا رسماً وارد رکود شده است. شرکت های هواپیمایی بزرگ اروپا از جمله بریتیش ایر ویز و لوفت هانزا، ۹۵٪ از درآمد خود را از دست داده اند و امیدوارند با اخراج بخش اعظمی از نیروی کار خود از ورشکستگی نجات پیدا کنند. طبق آمار منتشر شده از سوی وزارت کار آمریکا، تنها در مدت ۶ هفته ۳۰ میلیون آمریکایی به صف دریافت بیمه بیکاری پیوسته اند. شرکت بوئینگ در حال اخراج ۱۶ هزار نفر از کارکنان خود است و مشاور ارشد اقتصادی ترامپ معتقد است تا ماه آینده ۲۰٪ از نیروی کار این کشور بیکار خواهند شد. خلاصه اینکه سقف اقتصاد جهان فروریخته است. حال نگاهی به شرایط اقتصادی جهان تا پایان سال جاری بیاندازیم. کاهش شدید قیمت نفت اقتصاد کشورهای چو عربستان سعودی و روسیه را با بحران جدی مواجه کرده است. یونان، اسپانیا و ترکیه هم که به شدت وابسته به صنعت توریسمند، در آغاز فصل گرما سواحل خود را خالی از مسافران تابستانی از سرتاسر جهان دیده و در کمال بهت و حیرت شاهد فروپاشی اقتصادی کشورشانند و بالاخره چین و برخی کشورهای دیگر جنوب شرق آسیا که نقش کارخانه جهان را ایفاء می کردند به دلیل کاهش شدید تقاضای جهانی با رکود اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند.

یکی دیگر از عواقب بارز ماجرای کرونا روی گرداندن کشورها از یکدیگر و فرو رفتن در لاک خود است. شاهد بودیم که چگونه بر سر یک محموله ماسک برخی کشورهای اروپایی و آمریکا به جان هم افتادند و حتی برخی ایالات در آمریکا برای خرید تجهیزات درمانی و بهداشتی سخت به رقابت پرداختند. بدین ترتیب در جهان امروز می بینیم دولت ها کرکره خود را پائین کشیده، مرزهای خود را بسته و به فکر کار خویشند. تجارت بین الملل سخت به چالش کشیده شده و چراغ دهکده جهانی کم فروغ است و به خاموشی می گراید. از آنجا که اقتصاد

جهان به شدت در هم تنیده است، این واگرایی ملی و درون نگری به مشکلات دامن زده و می توان گفت اقتصاد پویای جهان به یک باره دچار حمله قلبی شده و در سی سی یو با مرگ دست و پنجه نرم می کند.

اما ما کجای این ماجراییم؟ از آنجا که اقتصاد جهانی بر پایه رقابت بنا شده است شرایط امروز را می توان این گونه به تصویر کشید که در چند دهه اخیر اقتصاد ما با دوچرخه لنگ لنگان در جاده توسعه در حال حرکت بوده و اقتصاد جهان سوار بر خودرو در این مسابقه از ما پیشی گرفته و برای ما دست تکان داده است. اما یک باره دست غیب به کمک ما آمده و شاهد آنیم که بنزین ماشین اقتصاد جهان تمام شده و از حرکت ایستاده است. ناگهان نور امیدی در دل مان جرقه می زند، پاهایمان قدرت می گیرد و بر سرعت رکاب زدنمان می افزاییم. درست مثل مسابقه فوتبالی که تیم بازنده در وقت اضافه گل می زند و می بینیم بازیکنان به یک باره جان تازه ای گرفته و توپ را با عجله تمام از درون دروازه حریف برداشته و به سرعت به دنبال آغاز دوباره بازی اند. چندین سال است که نظام بین المللی کرکره ما را پائین کشیده و ما در نهایت دشواری با این شرایط خو گرفته ایم تا آنجا که گیر بکس وزین و حجیم کوره ای عظیم توسط کولبران کردستان وارد کشور می شود تا چرخ کارخانه ای بچرخد. اما تقدیر در کمین بود و کار خویش می کرد! به ناگهان سرنوشت کرکره اقتصاد دیگر کشورها را پائین کشید و همه چیز بهم ریخت. شرکت بریتیش ایر ویز که سال گذشته بالغ بر ۱۰۰ میلیون یورو سود داشت تنها در سه ماه اول سال جاری بیش از ۵۰۰ میلیون یورو زیان کرده است و با باکی خالی از بنزین در کنار جاده ایستاده و سرگردان است. اما ایران ایر ما سالهاست با زیان سنواتی خو گرفته و این تفکر تا اعماق وجودش رخنه کرده است. گویی اقتصاد ما چند دهه است که با کرونا حشر و نشر داشته و از سالها پیش کرونایی شده است! بدین ترتیب شرایط به گونه ای رقم خورده که ما می توانیم کمترین آسیب را در شرایط فعلی متحمل شده، تهدید را به فرصت تبدیل کرده و برای اولین بار پس از چند دهه در اقتصاد جهانی برای خودمان جایگاهی دست و پا کنیم. حال که بنزین خودروی اقتصاد جهان تمام شده، ما می توانیم هر چه سریعتر رکاب بنزین و خود را به خط پایان برسانیم.

اما شیرینی حلوا را چشیدن باید و مشک را بویدن. نمی توان با حلوا حلوا گفتن و گوش دادن به عطار انتظار جهش تولید داشت. باید شرایطی را فراهم آوریم که اهل فن یعنی بخش خصوصی آستین ها را بالا زده و تمام عیار پا به میدان تولید یعنی کار و تلاش بگذارد. ما ایرانیان که حس وطن پرستی مان زبانزد است پس چنانچه فضا را برای جهش تولید مهیا کنیم

یعنی موانع را برداریم قطعاً ملت ایران از هیچ اقدامی در این مسیر صواب فروگذار نکرده و از شرایط استثنایی پیش آمده بهره خواهد برد. اما هم زمان با بالا زدن آستین فعالان اقتصادی بخش خصوصی، آستین دولت باید پائین زده شود. هنوز شاهد آنیم که دولت و نهادهای حکومتی تا مویرگ های اندام نحیف اقتصاد کشورمان ریشه دوانده و رد پای آن را حتی در تامین دان مرغ و مسافرکشی شاهدیم. آیا واقعاً در این کشور کسی بهتر از دولت نمی تواند برای مرغ و خروس ها خوراک تهیه کرده و یا مسافرها را با هواپیما و قطار جابجا کند؟ چنانچه در گام اول دولت و نهادهای حکومتی پا را از میدان بیرون گذاشته و کار را به مردم بسپارند لازم است در چند بخش اقدامات و اصلاحاتی با سرعت و جدیت تمام صورت پذیرد تا شاهد جهش نهال تولید و تنومند شدن آن باشیم. از چهار مانع اصلی بر سر راه جهش تولید دو مورد مربوط به شبکه بانکی است که متأسفانه تاکنون علیرغم تاکیدات مکرر اقدام موثری صورت نگرفته و فعالان اقتصادی را دچار یاس و ناامیدی کرده است. ضروریست مساله بدهی فعالان اقتصادی به شبکه بانکی تعیین تکلیف شده و فرآیند پاسبان کشی که امروز بین بانکها و بخش تولید کشور شاهدیم خاتمه یابد. از آنجا که تامین سرمایه در گردش از الزامات هر گونه افزایش فعالیت در بخش تولید و خدمات است، دولت باید به جای بنگاه داری برنامه ریزی لازم برای تامین سرمایه در گردش مورد نیاز را به عمل آورد. از شبکه بانکی و نقش بازدارنده آن در رسیدن به جهش تولید که بگذریم باید مدال قهرمانی را به گردن سازمان امور مالیاتی انداخت. مالیات عملکرد همان طور که از نامش پیداست به سود عملیاتی تعلق می گیرد لیکن در نظام مالیاتی ما کارگزاران دولتی از بالا به پائین عمل کرده، مالیات هر استان، شهرستان، صنعت، صنف و در نهایت بقالی سرکوجه با توجه به سهمیه تعیین شده باید وصول شود و هیچ ربطی هم به عملکرد ندارد. یعنی دولت بجای اینکه هزینه هایش را با توجه به درآمدش تنظیم کند، وارونه عمل کرده و درآمدش را با هزینه هایش تنظیم می کند. این دقیقاً همان روشی است که قرنها در کشور ما جاری بوده و فتحعلی شاه قاجار هم برای تامین مخارج دربار خود به آن روی می آورد. در مورد مالیات ارزش افزوده هم همین بس که پیمانکار نگون بخت از پول خود کاری را برای دستگاه دولتی انجام داده و باید در پایان دوره سه ماهه مالیات ارزش افزوده وجه دریافت نشده را بدهد در حالی که باید تا چند سال برای اخذ طلب خود در ادارات دولتی با گردن کج گدایی کند. و بالاخره مدال برنز قهرمانی را باید بر گردن سازمان تامین اجتماعی آویخت که از قراردادهایی که یک طرف آن دولت بوده و به دلیل محدودیت بودجه هیچ گاه اجرایی نشده را ملاک قرار داده و خود نقش شاکی و قاضی و مجری را ایفاء

نموده و بخش خصوصی را به نابودی می کشاند. توجه کنیم که تمام این قهرمانان جبهه مبارزه با جهش تولید دست پرورده نظام دیوان سالاری خودمان هستند که خواسته یا ناخواسته با هم متحد شده و تمام قد در مقابل جهش تولید صف آرایی کرده اند و این در حالی است که ما بر همه کس و همه چیز خارج از مرزهای خودمان نفرین و لعنت می فرستیم. خالی از لطف نیست نتیجه نظرسنجی اینترنتی که برخی فعالان اجتماعی در یکی دو هفته اخیر انجام داده اند را با شما به اشتراک بگذارم. در پی شیوع ویروس کرونا و اعلام جهش تولید به عنوان شعار امسال، نظر بخشی از جامعه در مورد بهترین سیاست اقتصادی با توجه به شرایط کنونی پرسیده شد. تنها ۵٪ از پاسخ دهندگان موافق با ادامه سیاست های اقتصادی دولت از جمله پرداخت یارانه نقدی بوده در حالیکه ۱۸٪ معتقدند باید از طریق تزریق نقدینگی به بخش فعال اقتصاد دست به جراحی اقتصادی زد. اما از همه جالب تر و البته تاسف بارتر اینکه ۷۷٪ اعتقاد دارند ماشین اقتصاد کشور سخت نیازمند تعمیر اساسی است و چاره کار آن است که حال که دوران قرنطینه عمومی پایان یافته و طبق اعلام دولت فاصله گذاری اجتماعی هوشمند به طور کامل به اجرا در آمده دولت مردان را به قرنطینه فرستاده و دست دولت و نهادهای حکومتی را از اقتصاد کشور کوتاه کرد. احتمالاً در دوران قاجار هم محبوبیت کارگزاران قبله عالم در همین حدود بوده است!

مخلص کلام اینکه یک بار دیگر امداد غیبی به کمک ما آمده و قطار اقتصاد جهان را در ایستگاه متوقف کرده است. از آنجا که سالهاست ریل ما اختصاصی و جدا از ریل قطار جهان است، فرصتی طلایی پیش آمده تا یک بار هم که شده منافع ملی را در راس امور قرار داده، از سر راه کنار برویم و اجازه دهیم مردم با جان و دل قطار اقتصاد کشور را به حرکت درآورده و در مسیر پیشرفت و توسعه قرار دهند. این کمترین دین ما به نسل و نسل های بعدی این مرز و بوم است. بیایید دین مان را ادا کنیم.